



حجت‌الاسلام بی‌آزار تهرانی از شرایط کمک‌رسانی در مناطق زلزله‌زده می‌گوید

پول‌های در اختیار سلبریتی‌ها نوش دارو پس از مرگ سهراب

است. از ظرفیت فضای مجازی استفاده کردیم، از صفحه اینستاگرام خودم ۳۵ هزار نفر از این طریق آشنا شدیم و یاری گرفتیم.

به‌طور مثال یک نفر حدود ۲۰ کانکس به ما کمک می‌کرد، نفر دیگر ۳۰ کانکس و دیگری ۱۱۰ کولر و... تمام افرادی که پای کار می‌آمدند چون و چرایی برای کار خیر نداشتند و همه به معنای واقعی جهادی کار می‌کردند.

کم‌کاری برخی از ما سبب شد تا به امروز برخی سلبریتی‌ها به‌عنوان خیرین فلاشی جلو بیایند یا برخی آقایان که اندیشه‌ای برای تقویت نظام ندارند و با افتخار می‌گویند که ما لیبرال هستیم و کاری به این نظام و انقلاب نداریم و وجودشان تمام غریب‌گرایی است، به میدان بیایند و متأسفانه پول‌هایی را جمع کردند، اما اقدامات لازم را در بزنگاهش کار نکردند. من نمی‌خواهم بگویم که نمی‌خواهند کار کنند اما از قدیم گفتند نوش دارو بعد از مرگ سهراب، چه شود؟

ما در سرمای سرپل ذهاب کشته داشتیم اما یکی از عزیزان پول‌ها را نگه داشته و می‌گوید می‌خواهم دهکده درست کنم! متأسفانه میلیاردها تومان پول در حساب مانده است و مردم واقعا در فاجعه انسانی به سر می‌برند.

فاضلاب و بودن‌شان در گرمایی که چند روز آینده در سرپل ذهاب به بالای ۵۰ درجه می‌رسد و این گرما‌کننده خواهد بود، بر شرایط بد آن مناطق اضافه می‌کند. شرایط خوبی نیست و هنوز مردم زلزله‌زده به کانکس نیاز دارند.



ارتباطی با یکی از روستاهای کرمانشاه داریم که اهالی آن روستا جذب داعش شده بودند، یعنی ۳۰ نفر جذب داعش و هشت نفر کشته داشتند. وقتی ما وارد شدیم و آنجا را به صورت محوریت و پایگاه قرار دادیم، روز اول به ما گفتند اگر معمم بخواهید وارد شوید، با اسلحه شما را می‌زنند، ولی چنان عنصر رفاقت با آنها کامل شده که نگاه‌شان به ما تغییر کرده است

به لطف خدا، اساسا موضع روشن و صریح علیه داعش گرفتند. حتی یکسری به اسم کمک کردن با اندیشه سلفی سراغ آنها آمده بودند، ولی آنها با آن افراد برخورد کرده بودند. گفته بودند که روحانیت شیعه برای ما سنگ تمام گذاشتند و آنها را رد کرده بودند. یا حتی پیشنهاد پول از عربستان و امارات داده بودند و آنها قبول نکرده بودند.

ما در آنجا زمانی که کنسرو برای مردم می‌دادند، توزیع گوشت گرم داشتیم و چندین تن گوشت گرم در آن روستاها تقسیم کردیم.

در «کوهبنان» کرمان هم به همین صورت بود. کوهبنان مردم فقیری دارد، به دلیل اینکه غالباً کارگران معدن هستند، فقر آنجا را زودتر از زلزله از هم پاشیده بود.

ولی به دلیل آنکه کسی در آن منطقه کشته نشده بود، خیلی مورد اقبال و توجه نبودند. گرایش و توجه مردم به کرمانشاه آنقدر زیاد نشده بود که کرمان در مقابل آن محو شده بود. چندین سفر به شهرها و روستاهای مختلف داشتیم و آنجا هم خدمات زیادی از جمله دارو انجام دادیم. تا جایی که توانستیم کمک کردیم و از اجناس و کانکس‌های مختلف تقدیم مردم شد.

پس شروع کار جهادی شما با زلزله کرمانشاه و کمک‌رسانی به آنها بود؟

آغاز فعالیت ما با شهادت تیپ فاطمیون مدافع حرم بود و بیشتر هم آنجا فعالیت‌های ما جنبه معنوی داشت؛ هرچند نیاز مادی هم داشتند.

به دلیل اینکه بین آنها کسانی بودند که در شرایط خیلی سختی زندگی می‌کردند، برای خانواده‌هایشان اقلام و کمک‌هزینه‌هایی مدنظر قرار می‌دادیم و با ۱۵-۱۰ نفر از روحانیون که بعضی‌هایشان چهره منبری داشتند، به خانه‌هایشان می‌رفتیم و لحظه‌ای که می‌خواستیم آنجا را ترک کنیم، بدون اینکه متوجه شوند، هزینه‌ای را تقدیم‌شان می‌کردیم یا اقلام خوراکی را به صورت مخفی در اختیارشان قرار می‌دادیم.

ابتدای حرکت ما از اینجا شروع شد و از همان‌جا در همان مناطق با محرومان آشنا شدیم. بعد از آن بیشتر در منطقه ۱۹ تهران رسیدگی می‌کردیم، چه در منطقه

دولت‌خواه و چه در دولت‌آباد. تعداد زیادی درمان پزشکی در مناطق داشتیم که به‌طور مثال ۳۰۰ تا ۵۰۰ ویزیت مختلف از طریق پزشکان فوق تخصص و قسوی از صبح تا بعدازظهر مستقر می‌شدند و ویزیت رایگان می‌کردند.

بعضی از آنها پزشکان گروه‌های جهادی شهید هدایت بودند که در بحث دندانپزشکی با ما همراه شدند و در مراحل مختلف در یک روز دندان ۸۰ بچه را ترمیم کردند و در نوبت‌های مختلف ده‌ها نفر دیگر را به صورت رایگان انجام دادند. اتباع خارجی نیز به صورت رایگان معاینه شدند و به دلیل آنکه فاقد دفترچه بیمه بودند، ملزم به تهیه داروها برای آنها شدیم.

تمام هزینه‌هایی که تا اینجا از آن یاد کردیم، همگی کمک مردمی بوده است؟

بله، صرفا کمک مردمی بوده

این مسائل را، چه در کرمان و چه در کرمانشاه دیدیم، کار را شروع کردیم. صرفا با کمک‌های مردمی و آبرویی که در مدت ۲۰ سال در صحنه و وضع خطابه کسب کرده‌ام، مردم به من اعتماد و لطف کرده‌اند. ما هم آبرویمان را گسیل کرده‌ایم و از طریق مردم برنامه‌هایی را طراحی کرده‌ایم. بالغ بر ۳۰۰ کانکس و بیش از هزار بخاری و پتو و حدودا ۵۰۰ کولر آبی طی چند مرحله برای مناطق زلزله زده ارسال کرده‌ایم. تمام این اقدامات را به صورت گزارش در صحنه (مستندسازی) در صفحه مجازی منتشر کرده‌ایم. تمام ریز فاکتورها، ورودی‌ها و خروجی‌ها را هم مرحله به مرحله اعلام کرده‌ایم.

هنگام زلزله به غیر از مواردی که ذکر کردم، چندین کانیتینر کالا ارسال کردیم. یک نمونه از فعالیت‌هایی که توانستیم به لطف مردم انجام دهیم، زمانی بود که در مسجد فاطمه الزهرا(س) کرمانشاهی‌های مقیم تهران در خیابان شهید عراقی سخنرانی داشتم و یک پست در صفحه اینستاگرام قرار دادم و از همه کمک‌کننده‌ها درخواست کردم اجناس‌شان را به آنجا بیاورند و چندین تریلی از آنجا به سمت کرمانشاه اعزام شد که به همراه واریز مبالغی پول نقد به شماره حساب مسجد، چند میلیون تومان جمع‌آوری شد و تمام اجناس و کمک‌های غیرنقدی را به شهر زلزله‌زده کرمانشاه فرستادیم. بعد از این کار، خودمان ارتباط فرهنگی گرفتیم و سفرهای متعدد و پیوسته با تیم‌مان و جامعه و عاقل انقلابی انجام شد که این نهاد یا گروه نه جایی ثبت شده نه از جایی برایش ردیف بودجه تعریف شده است و نه ساختمانی برای فعالیت داریم.

صرفا تمام حرکات ما جهادی بوده و جمعی هستیم که با دغدغه این کار را جلو بردیم. البته نیاز به تسویه و جرح و تعدیل داریم که باید عده‌ای به ما اضافه و یک عده‌ای از جمع ما کم شوند. این موضوع تعارف‌بردار نیست و چون اقدامات سریع بود، یکسری افراد آن‌طور که باید از فیلترهای ما رد می‌شدند، نشدند و به‌راحتی وارد صحنه و گروه شدند و باید در نهایت با بعضی از دوستان خداحافظی کنیم و همراه عده دیگری در سطح کشور وارد شویم.

در حال حاضر ارتباطی با یکی از روستاهای کرمانشاه داریم که عده‌ای از اهالی آن روستا جذب گروهک‌ها شده بودند، یعنی ۳۰ نفر جذب داشتند. وقتی ما وارد شدیم و

آنجا را به صورت محوریت و پایگاه

قرار دادیم، روز اول به ما گفتند

اگر معمم بخواهید وارد شوید، با

اسلحه شما را می‌زنند، ولی چنان

عنصر رفاقت با آنها کامل شده که

نگاه‌شان به ما تغییر کرده است.

ذکر همه روستا «با علی» است و

هر زمان که تماس تلفنی برقرار

می‌شود و با شورای ده صحبت

می‌کنیم، موقع خداحافظی همه

«با علی» می‌گویند.

تیم تحقیقاتی ما در سرپل ذهاب

همان اهالی روستاها هستند

و وقت می‌گذارند و تفحص

می‌کنند، به‌عنوان مثال آنهایی

را که در چادر به سر می‌برند

گزارش می‌دهند و ارتباط محکم

و صمیمی برقرار شده و البته

تبادل نظر و کارهای فرهنگی

هم در این زمینه خیلی موثر بود.

بنابراین شما توانستید با

فرهنگ‌سازی مردم شیعه و سنی

را کنار هم قرار دهید؟

از او بانام حاج آقا جهادی یاد می‌شود.

خودش می‌گوید: «هدف‌مان این

بود که تهدیدات فضای مجازی را

به فرصت تبدیل کنیم.» دوستانش

می‌گویند: «حاج آقا پای کار است؛

حتی هنگام مریضی هم پیگیر کارها

و خدمت‌رسانی به نیازمندان است.»

نگاهی که به صفحه اینستاگرامش می‌کنی،

می‌بینی تمام فاکتورها را با عکس و فیلم مستند

کرده است تا مبدا افرادی که در راه خیر قدم

برداشته‌اند، ذره‌ای شک کنند که پول‌شان در راه

دیگری جز کار خیر صرف شده است.

با حجت‌الاسلام احسان بی‌آزار تهرانی هم‌کلام

شده‌ایم تا از دلیل شروع فعالیت‌هایشان در قالب

«گروه جهادی جامع وعاظ و مبلغین انقلاب» و

نحوه خدمت‌رسانی به نیازمندان و درد دل‌هایشان

با خبر شویم.

|||

چه مدت است در گروه‌های جهادی فعالیت می‌کنید؟

قریب به دو سال است که به صورت جدی وارد عرصه

میدانی شده‌ایم؛ البته قبل از این برنامه‌های زیادی به

صورت انفرادی داشته‌ایم و به محرومان رسیدگی می‌کردیم.

همیشه چه نسبت به طلاب قم و چه در تهران قدم‌هایی را

به صورت فردی در این زمینه برمی‌داشتیم اما بعد از اینکه به

تهران آمدم و از زمانی که مقام معظم رهبری دستور «آتش

به اختیار» را صادر کردند واقعا دیدیم خیلی دقیق و جامع به محرومان

و مستضعفان رسیدگی نمی‌شود، برای اینکه بتوانم این زخم را التیام

بدهم، تصمیم گرفتم یک کار جمعی و هماهنگ با دوستانم در قالب

حرکتی صرفا انقلابی انجام دهم؛ نه دفتری و نه اساسنامه خاصی.

بنابراین با جمعی از دوستانم هماهنگ شدم. یک حرکت هماهنگی

در قالب فضای مجازی انجام دادیم. در این راستا با هم همراه شدیم

و در این زمینه گام برداشتیم؛ نه بودجه‌ای از جایی گرفتیم و هیچ

ارگان و سازمانی ما را حمایت مالی نکرد، ولی بعضا برخی نهادها از

ما حمایت معنوی کردند.

از فعالیت‌تان در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه و سرپل ذهاب بگویید.

ما کار را دنبال می‌کردیم تا زمانی که زلزله رخ داد. قبل از اینکه از

فعالیت‌هایمان در کرمانشاه بگوییم ذکر این نکته ضروری است که

در آینده نزدیک متأسفانه در سرپل ذهاب و کرمانشاه فاجعه انسانی

خواهیم داشت.

این موضوع را از این جهت می‌گویم که مردم هنوز اسکان موقت ندارند.

هنوز بعد از هشت ماه از گذشت زلزله در حال دادن کانکس به کرمانشاه

هستیم. یعنی در ماه گذشته ۹ کانکس به کرمانشاه ارسال کرده‌ایم.

البته این راهم بگوییم که این اقدامات همه تحقیق شده و میدانی هستند

و به این صورت نیست که هر شخصی که سفارش دهد ما به او کانکس

بدهیم. ما یک تیم تحقیقاتی داریم. هنوز عده‌ای هستند که در چادر

به سر می‌برند و ما برای آنها کانکس و کولر تهیه کرده‌ایم؛ اما متأسفانه

غیر از تعمیر ساختمان‌هایی که تخریب شده‌اند (ساختمان‌های

نیمه‌تخریب، نه ساختمان‌هایی که کاملاً تخریب شده‌اند)، در سرپل

ذهاب تا ۲۰ روز گذشته هنوز ساختمانی تکمیل و ساخته نشده بود.

برای این کار سازمان مسکن باید وام بدهد و از ساختمان‌هایی که

صدرصد تخریب شده‌اند، حمایت کند تا ساخته شوند اما هیچ

ساختمانی تا امروز ساخته نشده است. تنها در اطراف شهر و روستاهایی

که به نیروهای سپاه و قرارگاه خاتم‌الانبیا و آگاه‌شده‌اند، ساخت

سازه‌ها شروع شده و تا حدودی کار هم جلورفته است.

تنها اقدامی که در سرپل ذهاب صورت گرفته این بوده که بعضی از

کارهای تعمیراتی انجام شده؛ یعنی فقط تعمیر شده‌اند اما برای

ساختمان‌هایی که صدرصد تخریب شده‌اند، هیچ کاری انجام نشده

است. البته ممکن است برای زیرسازی برخی ساختمان‌ها اقداماتی

صورت گرفته باشد اما بعد از گذشت

هشت ماه هنوز خانه‌ای ساخته نشده و

این مساله خیلی دردناک است.

آیا این هشت ماه فرصت مناسبی بوده

که خانه‌ای ساخته شود؟

اگر برنامه‌ریزی درستی انجام می‌شد،

چرا نباید ساخته شود؟ حداقل تا ماه

گذشته باید مساله وام آنها درست

می‌شد؛ اما بودجه‌ای که دولت باید

در اختیارشان می‌گذاشت، هنوز به آنها

اختصاص داده نشده است. به سازمان

مسکن مراجعه کرده‌ایم. آنان اعلام

کرده‌اند که دولت هنوز بودجه‌شان

را پرداخت نکرده است. این موضوع

مربوط به عدم‌توجه و معطل بودن

کانون قدرت یا به تعبیر مقام معظم

رهبری جایگاه فرمانده است. وقتی

